



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

تفسیر هفتگی تورات

Can there be Compassion without Justice? Ki Tissa

یا شفقت می تو ند بد عد لت جو شته باشد؟
کی تیس

در اوج رویداد پرتنش گوساله طلایی، صحنه ای متلاطم و مبهم رخ می دهد. موسی تقاضای بخشش برای قوم کرده است. اما اینک، در کوه سینا از این جلوتر می رود. او از خدا می خواهد که با قوم باشد: راه های "خود را به من بیاموز" و جلال خود را آشکار کن ("خروج ۳۳: ۱۳-۱۸). خدا پاسخ می دهد: من همه احسانم را در برابر تو به نمایش می گذارم و در حضور تو نام خود، خداوند، را اعلام می دارم... به آنها که رحم دارم، رحم می کنم و با آنان که شفقت دارم، شفقت می ورزم. "اما خدا می گوید: نمی توانی چهره مرا ببینی، زیرا هیچ

کس نیست که مرا ببیند و زنده بماند. " (خروج ۳۳: ۲۰)

سپس خدا موسی را در شکاف سنگی قرار داده به او می گوید که پشت سر من را ببین"، ولی چهره ام را نه. و موسی این کلمات را از خدا می شنود:

خداوند، خدایا، ای خدای رحیم و شفیق، دیرخشم، سخاوتمند در عشق و وفاداری، مهر دهنده به هزاران و بخشنده شرارت، عصیان و گناه. اما او تقصیر کاران را بی مجازات نمی گذارد. (خروج ۶-۷:۳۴).

این بخش به عنوان "سیزده صفت رحم خدا" شناخته شده است. حکیمان تلمودی این رویداد را لحظه ای می دانند که خدا به موسی و از طریق او به نسل های آینده آموخت که چگونه هنگام توبه از گناه دعا کنند (رش هشانا ۱۷ب). موسی خودش این کلمات را با اندکی تغییر در بحران بعدی که رویداد جاسوسان بود، به زبان آورد. سرانجام این کلمات پایه دعاهای خاصی شدند که سلیخوت یا دعاهای توبه نام دارند. گویی خدا قول داده بود که با این توصیف ها توبه کاران هر نسلی را ببخشد.¹ خدا مهربان است و حاضر برای عشق و بخشیدن. این یک عنصر اساسی در ایمان یهودی است.

اما شرطی وجود دارد. خدا می افزاید: اما "او تقصیر کاران را بی مجازات نمی گذارد". بعد، عبارتی می آید در مورد گذاشتن گناهان والدین به حساب فرزندان که نیازمند توجهی جداگانه است و موضوع ما در این نوشته نیست. شرط چنین است که بخشش هست، اما محبت هم هست. شفقت هست، اما عدالت نیز هست.

چرا چنین است؟ چرا باید هم عدالت باشد، هم شفقت؟ هم مجازات و هم بخشودگی؟ حکیمان تلمودی گفته اند:

¹ The Talmud in Rosh Hashanah 17b says that God made a covenant on the basis of these words, binding Himself to forgive those who, in penitence, appealed to these attributes. Hence their centrality in the prayers leading up to Rosh Hashanah and Yom Kippur, and on Yom Kippur itself.

وقتی خدا جهان را آفرید، آنرا زیر صفت عدالت [توضیح مترجم فارسی: حکم- قضاوت] خلق کرد، اما سپس دید که این گونه دوام نمی آورد. پس چه کرد؟ او شفقت و رحم را به عدالت افزود و جهان را آفرید. " (تفسیر راشی بر پیدایش ۱:۱).

این گفته همان پرسش را به میان می آورد: چرا خدا عدالت و حکم را یکسره رها نکرد؟ چرا بخشودن به تنهایی کافی نیست؟

به تازگی برخی پژوهش های جالب در رشته های گوناگون مانند فلسفه، روانشناسی تکاملی و نظریه بازی ها و اخلاق محیط زیستی پاسخی شگرف و بدیع به ما می دهند.

بهترین شروع مقاله پژوهشی مشهور، گارت هاردین است که در سال ۱۹۶۸ درباره تراژدی همگانی بودن^۲ منتشر شد. پژوهشگر از ما می خواهد که ملکی بدون صاحب را تجسم کنیم که به همگان تعلق دارد (همگانی است). برای نمونه، چراگاهی که به همگان تعلق داشته باشد (همگانی)، یا دریا و ماهیان آن. این ملک برای بسیاری از مردم، کشاورزان محلی یا ماهیگیران حیاتی است. اما سرانجام مردمان بسیاری را به خود جلب می کند. بیش از حد در آن چرا و کشت و ماهیگیری انجام می شود و منابع خشک می شوند. آنجا در خطر تبدیل به بیابان قرار می گیرد. ماهیان در خطر نابودی هستند.^۴

^۲ Garrett Hardin, "The Tragedy of the Commons," Vol. *Science* 162, 13 December 1968: no. 3859 pp. 1243-1248.

^۳ Garrett Hardin, "The Tragedy of the Commons," Vol. *Science* 162, 13 December 1968: no. 3859 pp. 1243-1248.

^۴ Long before Garrett Hardin, there was an old Hassidic story about a village where the people were asked each to donate an amount of wine to fill a large vat to present to the King on his forthcoming visit to the village. Each villager secretly contributed only water instead of wine, arguing to themselves that such a small dilution would not be noticed in the large gift. The King arrived, the villagers presented him with the vat, he drank from it and said, "It's just plain water." I guess many folk traditions have similar stories. This is, in essence, the tragedy of the commons.

سپس چه اتفاقی افتاد؟ خیر همگانی اقتضا می کند که هر کسی از این پس باید خودداری کند. باید تعداد چارپایان چراکننده و یا ماهیان صیدشونده را کاهش دهند. اما برخی افراد قادر به این خودداری نیستند. آنها به چرا و صید بی رویه ادامه می دهند. توجه می کنند که چون بین تعداد زیادی تقسیم می شود، زیان کمتری به بار می آید. منافع شخصی بر خیر همگانی غلبه می کند و اگر تعداد کافی مردم با این غرایز رفتار کنند، نتیجه فاجعه خواهد بود.

این تراژدی همگانی بودن نشان می دهد که چگونه فجایع محیط زیستی و دیگر بلایا اتفاق می افتند. مشکل آدم های تکرو و منفعت پرست هستند که فقط برای منافع شخصی خود کار می کنند، بی آنکه هزینه سهم خود از خیر همگانی را پردازند. به دلیل اهمیت این قبیل موقعیت ها برای حل مشکلات امروزی زیست شناسان آماری مانند آناتول رپوپورت و مارتین نوواک و اقتصاددانان رفتارشناس مانند دانیل کانمان و زنده یاد آموس تورنسکی روی آنها کار کرده اند.⁵

یکی از کارهای آنها ایجاد شرایط آزمایشی برای این گونه موقعیت ها است. برای نمونه: به چهار شرکت کننده نفری ۸ دلار می دهند. به آنها می گویند که می توانند به هر مقدار کمی بخواهند در یک صندوق منافع همگانی سرمایه گذاری کنند. آزمایشگران پول ها را جمع کرده، می شمارند و ۵۰٪ به آن می افزایند (از درآمد کشاورز یا ماهیگیری که از ملک همگانی استفاده می کند) و کل پول را به تساوی میان هر چهار شرکت کننده تقسیم می کنند. پس اگر هر یک کل ۸ دلار را در صندوق، سرمایه گذاری کند، آخر سر ۱۲

⁵ See Robert Axelrod, *The Evolution of Cooperation*. New York: Basic, 1984. Matt Ridley, *The Origins of Virtue*, Penguin, 1996. Daniel Kahneman, *Thinking, Fast and Slow*, Allen Lane, 2011. Martin Nowak and Roger Highfield, *Super Cooperators: Evolution, Altruism and Human Behaviour or Why We Need Each Other to Succeed*, Edinburgh: Canongate, 2011.

دلار دریافت می کند. اما اگر یک شرکت کننده هیچ پولی نگذارد، صندوق ۲۴ دلار خواهد داشت که با افزودن ۵۰٪ می شود ۳۶ دلار. تقسیم به تساوی به هر نفر ۹ دلار می رساند. پس آنها هر یک ۱ دلار اضافه گرفته اند، اما چهارمی که شرکت نکرده ۹ دلار به دست می آورد.

اما این وضعیتی باثبات نیست. وقتی بازی تکرار می شود، شرکت کنندگان متوجه می شوند که فرد تکرویی در میان آنها هست، هرچند بازی به گونه ای طراحی شده که ندانند او کیست. سپس یکی از این دو حالت اتفاق می افتد. یا همگی از سرمایه گذاری دست می کشند یا اگر بتوانند توافق می کنند که فرد تکرو را مجازات کنند. اغلب افراد به مجازات کردن علاقه نشان می دهند، حتی اگر به معنای ضرر کردن خود آنها باشد. این پدیده ای است که اغلب مجازات بشر دوستانه "نامیده می شود.

پژوهشگران برخی شرکت کنندگان را در دستگاه های ام آر آی بررسی کردند تا ببینند کدام قسمت های مغز آنها در این گونه بازی ها فعال هستند. جالب است که مجازات بشر دوستانه قسمت های لذت مغز را فعال می کند. کانمان در این مورد می گوید:

به نظر می رسد که حفظ نظم اجتماعی و قواعد انصاف به این صورت یک پاداش است. مجازات بشر دوستانه می تواند چسبی باشد که جلوی متلاشی شدن جوامع را می گیرند.⁶

اما اینرا نمی توان یک وضعیت خوب دانست. مجازات برای همگان خبر بدی است. سرپیچی کنندگان رنج می کشند، اما مجازات کنندگان نیز رنج می کشند زیرا پول و وقتی

⁶ Kahneman, *Thinking, Fast and Slow*, 308.

که می شد برای نفع بیشتر جمع صرف کنند، برای مجازات هدر می رود. در پژوهش های بینافرهنگی می بینیم که مردم کشورهایی که تکروری در آنها معمول است، مجازات های سخت تری انجام می دهند. در جوامعی با رواج فساد بیشتر و روحیه جمعی کمتر، مردم روحیه مجازات گری بیشتری دارند. به بیان دیگر، مجازات، آخرین اقدام و تلاش است.

اینجا به دین می رسم. چندین آزمایش به نقش آیین های دینی در چنین شرایطی می پردازد. آزمایش هایی انجام شده اند که در آنها شرکت کنندگان فرصت تقلب و بردن از این راه را دارند. اگر به شرکت کنندگان افکار دینی گفته یا ده فرمان به آنها یادآوری شود، میزان تقلب بسیار کاهش می یابد. نکته بسیار جالب در مورد این آزمایش ها این است که نتایج هیچ ربطی به افکار و باورهای قبلی این افراد ندارند. این تفاوت به باور نداشتن به خدا مربوط نمی شود، بلکه به یادآوری خدا پیش از آزمایش وابسته است. این نشان می دهد که چرا دعاها و نیایش های روزانه بسیار اهمیت دارند. در لحظه های وسوسه مهم نیست چه باورهایی داریم، مهم این است که چگونه آن باورها را به اجرا بگذاریم.

آزمایش های بسیار مهمتری برای بررسی تاثیر راه های گوناگون فکر کردن به خدا انجام شده اند. آیا ما بیشتر به بخشش خدا فکر می کنیم یا عدالت و مجازات او؟ برخی از مومنان روی این و برخی دیگر روی آن یکی تاکید دارند. برخی سخنرانان دینی در مورد آتش جهنم می گویند و برخی دیگر با صدای آرام عشق موعظه می کنند. کدامیک موثرتر است؟

⁷ Ara Norenzayan, *Big Gods: How Religion Transformed Cooperation and Conflict*, Princeton University Press, 2013, 34-35.

نیاز به گفتن نیست که وقتی شرکت کنندگان در آزمایش، خدا ناباور یا اگنوستیک [کسانی که می‌گویند نمی‌دانند حقیقت چیست] هستند، نتیجه فرق نمی‌کند. در هیچ یک از دو حالت، نتیجه فرق نمی‌کند. اما در میان خدا باوران تفاوت آشکار است. کسانی که به خدای مجازات‌گر اعتقاد دارند، کمتر از آنهایی که به خدای مهربان و بخششگر اعتقاد دارند، تقلب و دزدی می‌کنند.

همچنین، آزمایش‌هایی اجرا شدند که ببینند خدا باوران چگونه با افراد تکرو منفعت‌پرست در مورد اموال همگانی برخورد می‌کنند. آیا آنها مایل به بخشیدن هستند یا تکروه‌های منفعت‌پرست را حتی به قیمت زیان خود تنبیه می‌کنند. نتیجه‌ها در این زمینه روشنگر بودند. افرادی که به خدای مجازاتگر باور دارند بیشتر از کسانی که به خدای بخشنده و مهربان باور دارند، دست به تنبیه دیگران می‌زنند.⁸ کسانی که مانند تورات معتقدند که خداوند تقصیرکار را بی‌مجازات نمی‌گذارد،⁸ بیشتر آماده هستند که مجازات را به خدا بسپارند. کسانی که به بخشندگی خدا تمرکز دارند، بیشتر امکان دارد که دست به انتقام بزنند.

همین امر در مورد جوامع صادق است. اینجا آزمایشگران مولفه‌هایی به کار بردند که کاملاً همخوان با یهودیت نبودند: آنها کشورها را از نظر درصد جمعیت باورمند به بهشت و جهنم مقایسه کردند. ملت‌هایی با درجات بالای باور به جهنم و درجات پایین باور به بهشت، پایتترین نرخ جنایت را داشتند. برعکس، ملت‌هایی که باور به بهشت را بر باور به جهنم

⁸ Ibid., 44-47.

مقدم می دانستند، بالاترین نرخ های جنایت را داشتند. این انگاره ها در تمام ایمان های دینی از جمله انواع فرقه های مسیحی، هندوها و مذهب مختلط دیده شدند.⁹

این نتایج به اندازه ای شگفت انگیز بودند که افراد پرسیدند: پس چرا دین هایی هستند که تاکید را از روی محبت الهی برداشته اند؟ عظیم شریف چنین توضیح را می دهد:

زیرا هرچند جهنم برای خوب ماندن افراد موثرتر است، اما بهشت به آنها احساس خیلی بهتری می دهد". از این رو اگر دین بخواهد افراد را جب کند، آسانتر است که دینی را معرفی کند که بهشتی الهی وعده می دهد تا دینی که باورمندان را با آتش جهنم و گدازه های سوزان تهدید می کند.¹⁰

اینک آشکار شد که خدا چرا در همان لحظه که لطف و بخشش خود را اعلام می کند، تاکید می ورزد که تقصیرکار را بی مجازات نخواهد گذاشت. دنیایی بدون عدالت الهی جایی خواهد بود با نفرت، مجازات و جنایت بیشتر و روحانیت همگانی و بخشش کمتر حتی در میان باورمندان. هر چه بیشتر معتقد باشیم که خدا تقصیرکار را مجازات می کند، بیشتر نفرت ورز و مجازاتگر می شویم. این یک حقیقت بسیار غیرمنتظره است ولی در نهایت به ما امکان می دهد که حکمت عمیق تورات را دریابیم و جامعه ای انسانی و دلسوز یکدیگر بسازیم.

شبات شالوم

⁹ Ibid., 46.

¹⁰ Ibid.

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org



@RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved